



Investigating the Most authentic Hadiths in the Authoritative Sources of Shia and Sunni Traditions to Substantiate the Imamate of Imam Sajjad (‘a)

Fatemeh Taherizadeh^{a*}, Mohammad Moeini Far^b, Akbar Bagheri^c, Seyyed Mohammad Sebt Tabatabaei Yazdi^d

^a PhD Student in Theological Denominations. University of Religions and Denominations, Qom, Iran

^b Associate Professor, Department of Islamic Religions, University of Religions and Denominations, Qom, Iran

^c Assistant Professor, Department of Islamic Religions, University of Religions and Denominations, Qom, Iran

^d Department of Shia Studies, University of Religions and Denominations, Qom, Iran

KEYWORDS

Imam Sajjad (‘a),
General texts,
Special texts, Miracle
and Karāmāt
Shia and Sunni,
Authentic Sources

Received: 17 December 2024;

Accepted: 02 March 2025

Article type: Research Paper

DOI: 10.22034/thr.2025.2045125.1071

ABSTRACT

Different religious groups have historically discussed the topic of Imamate and succession of the Prophet(s). Shiites believe the selection of the Prophet's caliphs was made by God and announced by the Prophet but Sunnis hold there is no text about this and the selection of the successor of the Prophet(s) was carried out through allegiance and consensus. This, however, contradicts their own authentic hadiths, as the texts and hadiths of Imamate are recorded as authentic in their books. The problem addressed in this article is proving the Imamate of the fourth Shiite Imam given that various groups of Sunnis and some Shiites have historically doubted his Imamate; thus, this article aims to examine the validity of both Shiite and Sunni hadiths to affirm the Imamate of Imam Sajjad (A). The findings of this study indicate numerous authentic hadiths have been recorded in both Shiite and Sunni texts that support the Imamate of Imam Sajjad (A). This research is structured into three distinct parts. In the first part, we examine general texts that address the imamate of all twelve Shiite Imams. Among these, the most significant texts, which are recognized by scholars from both sects, include Ḥadīth Al-thaqalayn, Al-ithnā ‘ashar khalīfa, and the Hadīth of Lawḥ. These texts provide examples of caliphs and Imams that supported by Quranic and narrational evidence, including the Al-Tathīr verse, the Hadith of the Al-Amān, and Safineh. The second part focuses on specific texts pertaining to the imamate of Alī, Ibn-e Al-Ḥusayn (A). These texts assert that the matter of his imamate was communicated by the Prophet. In the third part, the miracles and virtues of Imam Sajjad (A), along with his claim to Imamate, serve as additional evidence to prove his Imamate. These pieces of evidence, agreed upon by Sunni scholars, contradict their claims regarding the absence of explicit texts for appointing an Imam. The findings show these texts are mentioned in authentic books in general and specific ways. The focus is on both types of text, as we will interpret and clarify them using reliable sources. This research is novel in that no research has been conducted to prove the imamate of Imam Sajjad (A).

* Corresponding author.

E-mail address: f.taherizade1390@gmail.com

©Author





بررسی مهم‌ترین احادیث معتبر در کتب فریقین در اثبات امامت امام سجاد (ع)

فاطمه طاهری زاده الف*، محمد معینی فر ب، اکبر باقری ج، سید محمد سبط طباطبایی یزدی د

الف دانشجوی دکتری، مذاهب کلامی، دانشگاه ادیان و مذاهب، قم، ایران، f.taherizade1390@gmail.com

ب دانشیار گروه مذاهب اسلامی، دانشگاه ادیان و مذاهب، قم، ایران، mohagegkaraki@yahoo.com

ج استادیار گروه مذاهب اسلامی، دانشگاه ادیان و مذاهب، قم، ایران، a.bagheri@urd.ac.ir

د گروه شیعه‌شناسی، دانشکده شیعه‌شناسی، دانشگاه ادیان و مذاهب، قم، ایران، smtyazdi@gmail.com

واژگان کلیدی	چکیده
امام سجاد (ع)، نصوص عام، نصوص خاص، کرامات و معجزات، منابع معتبر شیعه و اهل سنت	مسئله امامت و جانشینی رسول خدا (ص)، از دیرباز مورد بحث و نظر گروه‌های مختلف مذهبی بوده است. آنچه مورد اتفاق شیعیان است، انتخاب جانشینان رسول خدا (ص) از سوی خداوند و ابلاغ آن از سوی پیامبر (ص) بوده است؛ اما اهل سنت بیان می‌دارند که نصی در این باره وجود ندارد و انتخاب جانشینان رسول خدا (ص) از طریق بیعت و اجماع اهل حل و عقد بوده است، اما این امر متناقض با احادیث معتبر آنان است زیرا در کتب آنان، نصوص و احادیث امامت به‌عنوان احادیث معتبر ثبت گشته است. حال آنچه مسئله ماست، اثبات امامت امام سجاد (ع) به‌عنوان چهارمین امام شیعه است؛ زیرا امامت ایشان در طول تاریخ از سوی گروه‌های مختلف اهل سنت و حتی برخی شیعیان مورد تردید قرار گرفت، لذا هدف ما در این پژوهش استناد به احادیث معتبر شیعی و اهل سنت جهت اثبات امامت امام سجاد (ع) است. این پژوهش مشتمل بر سه بخش است: در بخش اول نصوص عام مورد بررسی قرار می‌گیرد. این نصوص بر امامت تمامی ائمه دوازده‌گانه شیعه دلالت می‌کند؛ مهم‌ترین آن‌ها که مورد تأیید علمای فریقین است شامل حدیث ثقلین، اثنی عشر خلیفه و حدیث لوح است که مصادیق خلفا و ائمه را با شواهد قرآنی و روایی چون آیه تطهیر، حدیث سفینه و امان بیان می‌کند؛ در بخش دوم نصوص خاص امامت علی بن الحسین (ع) مورد بررسی قرار گرفته است. این نصوص بیان می‌کند که امر امامت ایشان توسط رسول خدا (ص) و ائمه پیشین ابلاغ شده است و در بخش سوم کرامات و معجزات ایشان بیان می‌گردد که در کنار ادعای امامت، دلیلی دیگر بر اثبات امامت ایشان است. این شواهد که مورد اتفاق علمای اهل سنت نیز هست، نقض‌کننده ادعاهای آنان در خصوص عدم وجود نص برای تعیین امام است. این پژوهش با روش کتابخانه‌ای و رویکردی توصیفی - تحلیلی به بررسی این نصوص و احادیث می‌پردازد که با استخراج آن‌ها از منابع موثق به تفسیر و توضیح آن‌ها خواهیم پرداخت و از آنجایی که تاکنون پژوهشی جامع جهت اثبات امامت چهارمین امام شیعه با استناد بر احادیث معتبر فریقین، انجام نگرفته، بنابراین پژوهش حاضر در نوع خود جدید خواهد بود.

۱. مقدمه

امامت به‌عنوان یکی از مهم‌ترین مسائل در دین اسلام، در طول تاریخ مورد نقد و بررسی‌های فراوانی قرار گرفته و یکی از عوامل انشعاب و جدایی در دین اسلام بوده است زیرا طبق عقاید شیعیان، نصوص فراوانی از پیامبر اکرم (ص) نقل شده

* نویسنده مسئول

آدرس پست الکترونیک: f.taherizade1390@gmail.com

این مقاله برگرفته از: فاطمه طاهری زاده، «نقد و بررسی کتاب «Ali Ibn al Husayn (A critical Biography)» رساله دکتری، اساتید راهنما: محمد معینی فر، اکبر باقری، استاد

مشاور: سید محمد سبط طباطبائی یزدی، دانشگاه ادیان و مذاهب، قم، ایران ۱۴۰۳ است.

که نمایانگر انتساب اهل بیت ایشان به عنوان جانشینان ایشان در امر خلافت است در حالی که اهل سنت در این مسئله بیعت و اجماع را قبول دارند و معتقدند نصی در این باره وجود ندارد، این در حالی است که کتب معتبر آنان مملو از نصوصی است که اهل بیت رسول خدا (ص) را به عنوان جانشینان ایشان معرفی می‌کنند، این نصوص اگر به درستی تبیین و تفسیر گردند می‌توانند بر امامت ائمه اثنی عشر شیعه تأکید کنند. این احادیث به طور عمده در کتاب‌های صحاح سته و کتاب‌های ینابیع الموده، فرائد السمطین و... ثبت گردیده و شامل دودسته نصوص است: نصوص عام که امامت را برای همه ائمه اثنی عشر ثابت می‌کند و نصوص خاصی که مختص هر یک از ائمه شیعه است. دسته‌ای دیگر از روایات وجود دارد که بیانگر کرامات و معجزات ائمه (ع) هستند. از آنجایی که انتصاب امام سجاد (ع) به عنوان چهارمین امام شیعه از قرون اولیه هجری مورد نقد و نظرهای فراوانی قرار گرفت و برخی مذاهب اسلامی به رد امامت ایشان پرداختند، لذا در این پژوهش سعی شده است با جمع‌آوری ادله روایی و قرآنی که مورد تأیید فریقین باشد، به اثبات امامت ایشان پرداخته شود. نکته حائز اهمیت در خصوص پیشینه موضوع آن است که گرچه تاکنون آثاری در قالب مقاله و پایان‌نامه در خصوص نصوص امامت ارائه شده، تاکنون پژوهش مستقلی در خصوص اثبات امامت چهارمین امام شیعه، انجام نگرفته است و تلاش ما بر آن است که بتوانیم به تبیین صحیحی از این مسئله دست‌یابیم و با تأکید بر احادیث معتبر فریقین، امامت ایشان را ثابت نماییم. نکته دیگر آنکه اگرچه نصوص فراوانی برای اثبات امامت ائمه (ع) وجود دارد ولی تأکید ما بر آن دسته احادیث معتبری است که در منابع فریقین مشترک بوده و ضمن تأکید بر امامت ائمه اثنی عشر، امامت را برای امام سجاد (ع) اثبات می‌کند.

۲. نصوص اثبات امامت علی بن الحسین (ع) در منابع فریقین

شیعیان معتقدند که تعیین امام و خلیفه مسلمین باید با ارائه نصوصی انجام گیرد که از سوی خدا و رسولش (ص) بر مردم ابلاغ شده باشد، اما اهل سنت معتقد است که در این باره نصی وجود ندارد، ولی این ادعا برخلاف نصوص موجود در کتب آن‌ها است بسیاری از کتب معتبر کلامی و حدیثی شیعه و اهل سنت در بردارنده احادیث و نصوص معتبری است که بر این امر صحه می‌گذارند، نصوص اثبات امامت می‌تواند به صورت سخن خداوند در قرآن، یا سخنان و احادیث رسول خدا (ص) و امام معصوم (ع) و یا اعمالی باشد که نشانه‌ای بر امام بودن شخص است (مقداد: ۱۳۸۷، ۱۶۰) این نصوص که شامل دودسته عام و خاص است حاوی اطلاعاتی در خصوص معرفی و تأیید امامت ائمه شیعه (ع) از سوی خدا و پیامبر (ص) است، این نصوص همچنین بر اثبات امامت چهارمین امام شیعه دلالت می‌کند زیرا برخی گروه‌های مذهبی بیان داشته‌اند که در این باره نصی وجود ندارد و ایشان هرگز ادعای امامت نکرده‌اند، در ادامه این نصوص معرفی شده و مورد بررسی قرار خواهند گرفت.

۲.۱. نصوص عام

به آن دسته از نصوص که به اثبات امامت دوازده امام شیعه (ع) به عنوان جانشینان رسول خدا (ص) می‌پردازد نصوص عام می‌گویند، مهم‌ترین این احادیث که در کتب فریقین مشترک است شامل حدیث ثقلین، حدیث اثنی عشر خلیفه و حدیث لوح هستند که تواتر آن‌ها مورد تأیید علمای فریقین قرار گرفته و جزء احادیث معتبر و خدشه‌ناپذیر قلمداد می‌شوند، این احادیث اگر به درستی تبیین گردند می‌توانند به اثبات جانشینان برحق رسول خدا (ص) بپردازند، این احادیث در کتب فریقین به شرح زیر هستند:

۲.۱.۱.۱. حدیث ثقلین

حدیث ثقلین از جمله احادیثی است که به طور گسترده از پیامبر اکرم (ص) در مکان‌ها و موقعیت‌های مختلف و حساس نقل شده است، ابن حجرهیشمی در این باره می‌گوید: «بدان که طریق‌های متعددی برای این حدیث بیان گردیده از جمله در حجة الوداع، در روز عرفه، در زمان بیماری پیامبر (ص) در مدینه در حالی که اتاق مملو از اصحاب بود، در غدیر خم و در خطبه‌ای که پس از بازگشت از مدائن خواندند». (حنبل: ۱۴۰۶، ۲۳) این حدیث حاوی پیام‌های مهمی است و حاکی از وصیت و سفارش پیامبر (ص) به تمام امت اسلامی تا روز قیامت است، علمای اهل سنت از قبیل ابن حجرهیشمی (هیشمی: ۱۴۱۷، ۲۲۷)، سخاوی شافعی (شافعی: ۱۴۲۱، ۶۰)، سمهودی (سمهودی: ۱۴۰۵، ۲۳۱)، تصریح کرده‌اند که این حدیث وصیت پیامبر اکرم (ص) بوده است، در این حدیث پیامبر (ص) می‌فرماید: «إِنِّي تَارِكٌ فِيكُمْ الثَّقَلَيْنِ كِتَابَ اللَّهِ وَ عِزَّتِي أَهْلَ بَيْتِي مَا إِنَّ تَمَسَّكْتُمْ بِهِمَا لَنْ تَضَلُّوا أَبَدًا وَ إِنَّهُمَا لَنْ يَفْتَرِقَا حَتَّى يَرِدَا عَلَيَّ الْخَوْضَ» (صفار قمی: ۱۴۰۴، ۱/۱۳۴) همانا من دو چیز گران بها را در میان شما باقی می‌گذارم، کتاب خدا و اهل بیتم را تا زمانی که به این دو چیز گران بها تمسک کنید گمراه نخواهید شد، این دو از یکدیگر جدا نخواهند شد تا در روز قیامت در کنار حوض کوثر نزد من برگردند»

از آنجایی که شریعت اسلام ناسخ سایر شرایع آسمانی است و رسول اکرم (ص) آخرین پیامبر بوده و احکام اسلامی و خطابات شرعی عمومیت دارد و خطباتی که در این حدیث است شامل همه امت اسلامی می‌شود و همه امت تا روز قیامت مکلف‌اند که به این سفارش و وصیت پیامبر (ص) عمل کنند زیرا ایشان راه نجات و رستگاری را در پیروی از قرآن و اهل بیتشان دانسته‌اند، در این حدیث پیامبر اسلام (ص) اهل بیت و عترت خود را همسنگ قرآن معرفی کرده و قرآن و اهل بیت (ع) در کنار یکدیگر به عنوان مرجع علمی، سیاسی، اجتماعی و دینی مسلمانان معرفی شده‌اند و به امت اسلامی سفارش شده که به آن چنگ بزنند. این حدیث در کتب مختلف حدیثی، روایی، کلامی، تفسیری، تاریخی و لغوی اهل سنت و شیعه از زمان صحابه و تابعین تا قرن پانزدهم از طرق مختلف و با سندهای معتبر و متعدد نقل شده است.

۲.۱.۱.۱.۲. بررسی جایگاه حدیث ثقلین در منابع اهل سنت

این حدیث از قرن نخست هجری تاکنون در کتب حدیثی و روایی اهل سنت نمود یافت، برای مثال در سده نخست هجری در آثار چون الطبقات الکبری (زهري: ۱۴۱۰، ۱۵۰/۲)، المصنف فی الاحادیث و الاثار (کوفی: ۱۴۱۶، ۱۷۶/۷)، مسند احمد بن حنبل (حنبل: ۱۴۱۶، ۱۴/۳)، سنن دارمی (دارمی: ۴۳۱/۱۴۲، ۲)، تاریخ صغیر (بخاری: ۱۴۰۶، ۳۰۲/۲)، صحیح مسلم (نیشابوری: ۱۴۱۲، ۹۸۰)، سنن ترمذی (ترمذی: ۱۴۱۹، ۱۰۷۹)، تاریخ یعقوبی (یعقوبی: ۱۴۰۲، ۷۶/۲)، نوادر الاصول فی معرفة الاحادیث الرسول (ترمذی: ۱۴۳۱، ۱/۱۶۳)، کتاب السنة (البانی: ۱۴۰۰، ۲/۶۲۹) و... این حدیث قابل مشاهده و استناد است. مضمون این حدیث در روایات اهل سنت به صورت سفارش و وصیت رسول خدا (ص) بیان گردیده است: «شمارا به کتاب خدا و اهل بیتم سفارش می‌کنم که یکی از آن‌ها بزرگ‌تر از دیگری است و آن کتاب خدا ریسمانی است که از آسمان به زمین کشیده شده است.» (ابن منظور: ۱۴۰۸، ۳/۳) و همچنین رسول خدا (ص) فرمود: «شمارا به پیروی از کتاب خدا و اهل بیتم سفارش می‌کنم، از خدا می‌خواهم که بین آن‌ها فرقی نگذارد تا آن دو بر حوض کوثر بر من وارد شوند.» (حسکانی: ۱۴۱۱، ۱/۱۹۱) امام ترمذی صاحب

کتاب جامع ترمذی با سند خود از جابر بن عبدالله انصاری این حدیث را این گونه نقل می کند: «رسول خدا (ص) را در روز عرفه دیدم درحالی که بر شترسوار بود و خطبه می خواند، شنیدم که می فرمود: ای مردم من در میان شما دو چیز باقی می گذارم. اگر به آن ها چنگ زنید هرگز گمراه نمی شوید و آن ها کتاب خدا و اهل بیتم هستند». (ترمذی: ۱۴۱۹، ۴۷۸/۵) مسلم بن حجاج قشیری نویسنده کتاب صحیح مسلم با سند خود این حدیث را این گونه نقل می کند: «روزی رسول خدا (ص) در کنار آبی به نام خم بین مکه و مدینه خطبه ای خواند، پس از حمد خدا و موعظه فرمود: ای مردم! من دو چیز گران بها را در میان شما می گذارم، اولین آن ها کتابی است که در آن هدایت و نوراست و دوم اهل بیتم پس به آن دو چنگ بزنید تا دچار گمراهی نشوید». (نیشابوری، ۱۴۱۲، ۱۸۷۳/۴) شیخ سلیمان قندوزی این حدیث را طبق کتاب سلیم بن قیس و از زبان علی (ع) این گونه نقل می کند: «پیامبر خدا (ص) در روز عرفه بر شتر قصواء و در مسجد خیف و در روز غدیر در خطبه ای فرمودند: «ای مردم من دو چیز ارزشمند در میان شما گذاشتم کتاب خدا و عترت و اهل بیتم تا زمانی که به آن ها چنگ بزنید هرگز گمراه نخواهید شد و آن دو هرگز از یکدیگر جدا نخواهند شد تا بر حوض کوثر بر من وارد شوند پس به آن ها تمسک کنید و از آن ها پیشی نگیرید زیرا آن ها از تو داناترند» (قندوزی: ۱۴۲۲، ۱۰۹/۱). حاکم نیشابوری نیز با سند خود از زید بن ارقم، این گونه روایت می کند که: «درحالی که پیامبر خدا (ص) بین مکه و مدینه بودند، ضمن ایراد خطبه ای این حدیث را بیان فرمودند». (نیشابوری: ۱۴۲۰، ۹۱۷) علاوه بر آن ابن عساکر، سمهودی و شافعی در کتب خود این حدیث را با همین مضمون بیان کرده اند (ابن عساکر: ۱۴۱۵، ۲۱۶/۴۲؛ سمهودی: ۱۴۰۵، ۲۳۳؛ شافعی: ۱۴۲۱، ۶۳).

۲.۱.۱.۲. بررسی شواهد قرآنی و روایی موجود از واژه عترت

طبق حدیث ثقلین، رسول خدا (ص) عترت خود را همسنگ قرآن دانسته که تا روز قیامت باهم هستند اما عترت چیست و مقصود پیامبر اسلام (ص) از عترت چه کسانی هستند، در ادامه شواهد و ادله قرآنی و روایی جهت معرفی عترت رسول خدا (ص) بیان می گردد، این ادله مورد تأیید علمای اهل سنت و شیعه بوده و در کتب آن ها به صورت مکرر ثبت شده است که شامل حدیث سفینه و امان و آیه تطهیر هستند:

۱. حدیث سفینه

حدیث سفینه یکی از دلایل روایی شیعیان برای اثبات جایگاه ویژه اهل بیت (ع) پیامبر اکرم (ص) در هدایت و رهبری مسلمین است این حدیث به اثبات لزوم اطاعت از اهل بیت (ع)، عصمت، فضیلت و محبت آنان تأکید می کند. طبق این حدیث، رسول خدا (ص) اهل بیت خود را به کشتی نوح تشبیه می کند و می گوید: «إِنَّمَا مَثَلُ أَهْلِ بَيْتِي فِيكُمْ كَمَثَلِ سَفِينَةِ نُوحٍ، مَنْ دَخَلَهَا نَجَّى، وَ مَنْ تَخَلَّفَ عَنْهَا غَرِقَ» (طوسی: ۱۴۱۴، ۶۳۳؛ دیلمی: ۱۴۱۲، ۳۰۶/۲؛ ابن بابویه: ۱۳۷۸، ۲۷/۲؛ طبرسی: ۱۴۰۳، ۲۷۳/۱) برای این حدیث پنجاه طریق روایی بیان کرده اند که در منابع مختلف روایی فریقین با اندکی اختلاف در متن، روایت شده است که از طریق شش تن از ائمه از جمله امام علی (ع) (سیوطی: ۱۴۱۴، ۱۷۴/۱؛ سلیم: ۱۴۰۵، ۵۶۰/۲) امام حسن (ع) (مجلسی: ۱۴۰۳، ۷۶/۴۴) امام سجاد (ع) (سلیم: ۱۴۰۵، ۶۱/۱)، امام باقر (ع) (ابن بابویه: ۱۳۹۵، ۲۸۱/۱)، امام صادق (ع) (ابن حیون: ۱۴۰۹، ۳/۳. نعمانی: ۱۳۹۷، ۱۵۵) و امام رضا (ع) (ابن بابویه: ۱۳۷۸، ۲۷/۲) و تعدادی از صحابه رسول خدا (ص) از قبیل ابوذر (سلیم: ۱۴۰۵، ۵۶۰/۲؛ طوسی: ۱۴۱۴، ۶۰؛ ابن حیون: ۱۴۰۹، ۳/۳)، مقداد (سلیم: ۱۴۰۵، ۵۶۰/۲)، ابوسعید خدری، ابن عباس، انس بن مالک (بغدادی:

۱۴۱۷، ۹۰/۱، سلمه بن اکوع، عبدالله بن زبیر (هیتمی: ۱۴۱۴، ۱۶۸/۹) و ابوموسی اشعری (ابن حیون: ۱۴۰۹، ۴۰۵/۲) و شماری از تابعین نقل شده است. این حدیث در آثار اهل سنت از قبیل ابن مغزالی در کتاب المناقب (۱۴۲۴: ۲۰۳) سیوطی در تاریخ خلفاء (۱۴۱۷: ۲۲۹/۱) دولابی در الکنی و الاسماء (۱۴۲۱: ۲۳۲/۱) قاضی قضاعی در مسند شهاب (۱۴۰۳: ۲۷۳/۲) طبرانی در معجم کبیر (۱۴۰۵: ۴۶/۳) حاکم نیشابوری در مستدرک (۱۴۲۰: ۲۴۳/۲) خطیب بغدادی در تاریخ بغداد (۱۴۱۱: ۹۰/۱۲) و... با مضمونی مشابه نقل گردیده است. نکاتی که در این حدیث وجود دارد اینکه رسول خدا (ص) اهل بیت خود را به کشتی نوح تشبیه کرده و با این تشبیه خواسته به امت اسلامی نشان دهد همان گونه که کشتی نوح سوارانش را از غرق شدن نجات داده است، با تمسک به اهل بیت (ع) می توان نجات یافت و اهل بیت پیامبر (ص) پیروانشان را از ضلالت و گمراهی نجات خواهند داد و هر کس سوار کشتی نجات اهل بیت نشود قطعاً هلاک خواهد شد. از آنجایی که رسول خدا (ص) همه امت را به طور مطلق به پیروی از اهل بیت خود دعوت می کند نشان می دهد که اهل بیت او جانشینانش در امور دین و دنیای مردم هستند آن ها مصون از خطا و دارای عصمت اند و سیره و سنت آن ها بر مردم حجت است.

۲. حدیث امان

حدیث امان یا نجوم حدیثی است که توسط رسول خدا (ص) نقل گردیده و بر اساس آن رسول خدا (ص) اهل بیت (ع) خود را مایه امان و نجات اهل زمین معرفی می کند. این حدیث با عبارات گوناگون در منابع مختلف حدیثی و روایی فریقین، با سندهای متعدد نقل گردیده است، این اسناد متنوع نشان دهنده اعتماد راویان به این حدیث است. این حدیث بدین شرح است پیامبر اکرم (ص) فرمودند: «لِنُجُومِ أَمَانٍ لِأَهْلِ الْأَرْضِ مِنَ الْغَرَقِ، وَ أَهْلِ بَيْتِي أَمَانٌ لِأُمَّتِي مِنَ الْإِحْتِلَافِ، فَإِذَا خَالَفَتْهَا قَبِيلَةٌ مِنَ الْعَرَبِ اخْتَلَفُوا فَصَارُوا حِزْبَ إِبْلِيسَ» ستارگان مایه امان اهل آسمان هستند، اگر ستارگان بروند اهل آسمان می روند. اهل بیت من امان اهل زمین هستند، پس اگر اهل بیت من رفتند اهل زمین خواهد رفت». (ابن بابویه: ۱۳۹۵، ۲۰۵/۱) درباره مصداق اهل بیت (ع) در این حدیث اقوالی وجود دارد برخی از علمای اهل سنت بیان داشته اند که مراد از اهل بیت، فاطمه (س) و همه فرزندان او هستند، (سمهودی: ۱۴۰۵، ۱۲۴/۲؛ هیتمی: ۱۴۱۷، ۴۴۶/۲) عده ای از روایات نیز تأکید می کنند که اهل بیت (ع) در این حدیث به امامان اثنی عشر شیعه اطلاق شده است (ابن بابویه: ۱۳۸۵، ۱۲۴/۱؛ خزاز قمی: ۱۴۰۱، ۲۹) آنان بر این باورند که خلقت و بقای دنیا به خاطر پیامبر (ص) بوده است و طبق آیه ۳۳ سوره انفال «وَمَا كَانَ اللَّهُ لِيُعَذِّبَهُمْ وَأَنْتَ فِيهِمْ وَمَا كَانَ اللَّهُ مُعَذِّبَهُمْ وَهُمْ يَسْتَغْفِرُونَ» که خداوند بیان می کند پیامبر اکرم (ص) امان امت است، اهل بیت ایشان نیز در این مورد به پیامبر ملحق شده و امان امت و سبب حفظ دنیا شمرده شده اند، زیرا اهل بیت او در بسیاری از موارد با پیامبر (ص) مساوی هستند و به واسطه فاطمه (س)، بضعه و فرزند او شمرده می شوند (سمهودی: ۱۴۰۵، ۱۲۴/۲؛ هیتمی: ۱۴۱۷، ۴۴۶/۲). روایتی دیگر در کتب شیعی ثبت گردیده که «شخصی از علی (ع) درباره مضمون این حدیث و اهل بیت رسول خدا (ص) سؤال کرد و حضرت علی (ع) فرمودند منظور از اهل بیت، من و حسن و حسین و نه امام از نسل حسین (ع) هستند...» (ابن بابویه: ۱۳۷۸، ۵۷/۱)

۳. آیه تطهیر

آیه ۳۳ سوره احزاب با عنوان آیه تطهیر شناخته می‌شود مضمون آن چنین است: «إِنَّمَا يُرِيدُ اللَّهُ لِيُذْهِبَ عَنْكُمُ الرِّجْسَ أَهْلَ الْبَيْتِ وَيُطَهِّرَكُمْ تَطْهِيرًا» (احزاب، ۳۳) ابن منظور در لسان العرب پس از ذکر این آیه به تعریف واژه عترت پرداخته و از قول ابن عربی می‌گوید: «عترت، فرزندان و ذریه و دنباله صلیبی مرد است». (ابن منظور: ۱۴۰۸: ۳۴/۲) او پس از تعریف این واژه حدیث ثقلین را بیان کرده و به مصادیق عترت اشاره می‌کند: «فجعل العترة اهل البيت...» و می‌گوید: «آنچه معروف و مشهور است این است که عترت رسول خدا (ص)، اهل بیت ایشان هستند و اهل بیت ایشان کسانی هستند که زکات و صدقه مفروضه بر آنان حرام است.» (ابن منظور: ۱۴۰۸: ۳۴/۲) بنابراین باید گفت که عترت به معنی اخص خویشاوندان است حال باید به این نکته بپردازیم که اخص خویشاوندان رسول خدا (ص) چه کسانی هستند. مطابق با روایات فریقین، هنگام نزول این آیه، علی (ع)، فاطمه (س)، حسن (ع) و حسین (ع) نیز حاضر بودند، پیامبر (ص) پارچه‌ای بر روی خود، علی (ع) و فاطمه (س) و حسنین (ع) می‌کشد و دست‌هایش را به سوی آسمان بالا می‌برد و می‌گوید: «پروردگارا، این چهار نفر اهل بیت من هستند، هرگونه پلیدی را از آن‌ها دور کن.» (طبری: ۱۴۱۲، ۱۰۷/۱۹؛ ترمذی: ۱۴۱۹، ۶۹۹/۵؛ ابن کثیر: ۱۴۱۹، ۷۹۹/۳؛ حاکم نیشابوری: ۱۴۲۰، ۴۵۱/۲؛ شوشتری: ۱۴۰۴، ۵۰۱/۲) همچنین روایت شده که پیامبر (ص) به مدت شش ماه، به طور مداوم موقع رفتن به مسجد برای ادای نماز صبح، درب خانه حضرت زهرا (س) را می‌زد و آیه تطهیر را تلاوت می‌نمود (ترمذی: ۱۴۱۹، ۳۵۶/۵؛ سیوطی: ۱۴۱۴، ۶۰۶/۶).

حسکانی: ۱۴۱۱، ۳۸/۲) پیامبر اکرم (ص) با این اعمال مصادیق اهل بیت (ع) را مشخص می‌کرد تا در آینده بر سر تعیین مصداق برای اهل بیت، اختلافی صورت نگیرد. حاکم حسکانی با نقل روایتی بیان می‌دارد که مصداق اهل بیت در این آیه فقط رسول خدا (ص)، علی (ع)، فاطمه (س)، حسن (ع) و حسین (ع) هستند. او این‌گونه نقل می‌کند: «ام سلمه گفت که آیه: «إِنَّمَا يُرِيدُ اللَّهُ لِيُذْهِبَ عَنْكُمُ الرِّجْسَ أَهْلَ الْبَيْتِ وَيُطَهِّرَكُمْ تَطْهِيرًا» در خانه من نازل شد، گفتم یا رسول الله آیا من از اهل بیت شما نیستم؟ ایشان فرمودند: تو از همسران پیغمبر هستی. ام سلمه می‌گوید و در خانه رسول خدا، علی و فاطمه، حسن و حسین (ع) بودند.» (حسکانی: ۱۴۱۱، ۵۷/۲) جوینی نیز در ذیل حدیث ثقلین این‌گونه نقل می‌کند: «عمر بن خطاب در حالی که غضبناک بود بلند شد و گفت: ای رسول خدا آیا به تمام اهل بیت تو تمسک کنیم؟ رسول خدا فرمود: خیر، به اوصیای اهل بیت تمسک کنید و اولین آن‌ها برادر، وزیر و وارث و خلیفه من در امتم بعد از من است، بعد از او فرزندان حسن (ع) و پس از او فرزندان حسین (ع) سپس نه نفر از فرزندان حسین، یکی پس از دیگری می‌آیند تا در قیامت در کنار حوض کوثر بر من وارد شوند.» (جوینی: ۱۳۹۸، ۳۱۷/۱)

بنابراین طبق این شواهد می‌توان گفت مراد رسول خدا (ص) از عترت که در حدیث ثقلین نقل کرده‌اند، فرزندان او هستند و از برجسته‌ترین مصادیق اهل بیت پیامبر (ص) علی بن ابی طالب (ع) است و اگر حجیت یکی از ائمه ثابت شود بی‌درنگ حجیت سایر امامان نیز ثابت می‌گردد؛ زیرا تأیید هر یک از آنان پشتوانه‌ای از تأییدات قرآنی و سیره رسول خدا (ص) را در پی دارد. رسول خدا (ص) به دستور خداوند قرآن و سنت را به‌عنوان مرجع تشریحی و فکری برای مردم جامعه قرارداد و از آنجا که این مرجعیت نیاز به ضمانت اجرائی داشت، اهل بیت خود را به‌عنوان امین و حافظ قرآن و سنت معرفی و به‌عنوان مرجع هدایت امت قرارداد. پس طبق این روایات، حضرت علی (ع)، حضرت فاطمه (س)، حضرت حسن (ع)، حضرت حسین (ع) و نه نفر از فرزندان امام حسین (ع) عترت رسول خدا هستند و تنها فرزندان امام حسین (ع) که در حادثه کربلا زنده ماند، حسین بن علی (ع) است و او چهارمین امام شیعه است.

۲.۱.۲. حدیث اثنی عشر خلیفه

این حدیث مشهور توسط جابر بن سمره به نقل از پیامبر اسلام (ص) بیان شده، مطابق با آن پیامبر اکرم (ص) خلفای بعد از خود را معرفی می‌کند و آن‌ها را منحصر در دوازده نفر می‌داند که همگی از قبیله قریش هستند. این حدیث به‌طور گسترده و با الفاظ مختلف در کتب معتبر اهل سنت نقل شده و آن را حدیثی صحیح دانسته‌اند و شیعیان این حدیث را دلیلی بر حقانیت امامان دوازده‌گانه خود می‌دانند. این روایت از جمله روایت‌های معتبر و خدشه‌ناپذیر اهل سنت است که در آن به‌صراحت بیان گردیده که خلفای جانشین پیامبر (ص)، دوازده نفرند که همگی از قریش هستند و خلافت آن‌ها تا روز قیامت خواهد بود و آنان عامل سرافرازی اسلام و دین خدا هستند، اما این روایت درباره اینکه این دوازده نفر از کدام تیره قریش هستند ساکت است. باوجود این برخی منابع بیان داشته‌اند که آن‌ها از قبیله بنی‌هاشم هستند. عدم تعیین مصداق، باعث شده که هر یک از علمای اهل سنت مطابق با میل و عقیده خود افرادی را به‌عنوان خلیفه بعد از پیامبر (ص) نام ببرند ولی در اصل حدیث هیچ اختلافی دیده نشده و همگی بر آن متفق القولند. (ابن بابویه: ۱۳۸۵، ۳۱۵/۲)

۲.۱.۲.۱. بررسی جایگاه حدیث اثنی عشر خلیفه در منابع اهل سنت

این حدیث در اکثر منابع اصلی و دست‌اول اهل سنت با اسناد و طرق‌های متفاوت، ثبت شده است تا جایی که از نظر صحت و اعتبار، جای شک و شبهه‌ای وجود ندارد. ابن طیب‌السی (متوفی ۲۰۴) نخستین کسی است که این حدیث را در کتاب خود ثبت نموده و بعد از آن در سایر کتب اهل سنت نمود یافت. متن این حدیث در کتاب صحیح بخاری این‌گونه است: «جَابِرُ بْنُ سَمْرَةَ قَالَ سَمِعْتُ النَّبِيَّ (ص)، يَقُولُ: يَكُونُ إِثْنَى عَشَرَ أَمِيرًا فَقَالَ كَلِمَةً لَمْ أَسْمَعْهَا، فَقَالَ أَبِي إِنَّهُ قَالَ كَلَهُمْ مِنْ قُرَيْشٍ» (بخاری: ۱۳۱۵، ۷۰/۱۱) این حدیث از نظر متن و محتوا، به شیوه‌های گوناگونی نقل شده است همگی آن‌ها یک بخش مشترک دارند (یکون بعدی اثنی عشر خلیفه) و در سایر بخش‌ها با یکدیگر متفاوت هستند که در این بخش‌ها ویژگی‌های این دوازده خلیفه، بیان شده است.

مسلم نیشابوری در کتاب صحیح خود با الفاظ و تعبیری یکسان ولی با سلسله‌راویانی متفاوت این حدیث را بیان کرده است: «حدثنا قتيبة بن سعيد، حدثنا جرير عن حصين، عن جابر بن سمره، قال: سمعت النبي (ص) يقول ... وحدثنا رفاعة بن هيثم الواسط، حدثنا خالد (ابن عبدالله الطحان) عن حصين، عن جابر بن سمره قال: دخلت مع ابي علي النبي (ص) فسمعتة يقول: «ان هذا الامر لا ينقضى حتى يمضى فيهم اثنا عشر خليفة» قال: ثم تكلم بكلام خفي علي، قال فقلت لابي: ما قال؟ قال: «كلهم من قریش» (نیشابوری: ۱۴۱۲، ۱۴۵۱/۳) همه این تعبیر بیان می‌کنند که جانشینان پیامبر اسلام (ص) دوازده نفر و همگی از قبیله قریش هستند زیرا این قبیله بر سایر قبایل فضیلت دارد و این افضلیت به جهت وجود پیامبر (ص) و اهل بیت اوست. همچنین این حدیث بیان می‌کند که این خلفا پشت سر هم می‌آیند و تا قیامت در میان مردم هستند زیرا این حدیث بیان می‌کند که امر مردم پیوسته در حال گذشتن است به این صورت که آن دوازده نفر، مردم را ولایت می‌کنند و ولایت این دوازده نفر به‌صورت پیوسته ثابت است: «لا يزال امر الناس ماضيا ما وليهم اثنا عشر رجلا».

ابوداود نیز در سنن خود، این حدیث را از سه طریق و با مضامین مختلف نقل کرده است:

۱- حدثنا عمرو بن عثمان، حدثنا مروان بن معاوية عن اسماعيل (ابن ابي خالد) عن ابيه، عن جابر بن سمره قال: سمعت رسول الله (ص) يقول: «لا يزال هذا الدين قائما حتى يكون عليكم اثنا عشر خليفة كلهم تجتمع عليه الامامة»

فسمعت کلاما من النبی (ص) لم افهمه، قلت لابی: ما یقول؟ قال: «کلهم من قریش».

۲- قال سمعت رسول الله (ص) یقول: «لا یزال هذا الا الدین عزیزا الی اثنی عشر خلیفة» قال فکبر الناس و ضجوا، ثم قال کلمة خفیة، قلت لابی، یا ابة ما قال؟ قال «کلهم من قریش».

۳-... فلما رجع الی منزله اتته قریش فقالوا: ثم ینکون ماذا؟ قال: «ثم ینکون هرج». وقتی رسول خدا (ص) به خانه بازگشت قریش نیز با او همراه شدند و سؤال کردند که بعد از دوازده خلیفه چه اتفاقی می افتد؟ و پیامبر در جواب فرمودند بعد از آن فتنه رخ می دهد (ابو داوود: ۱۴۰۲، ۴/۱۸۳۰).

حدیثی دیگر با همین مضمون در کتاب ینابیع المودة و فرائد السمطین از مجاهد و ابن عباس نقل شده است که شخصی یهودی از پیامبر (ص) درباره خلفا سؤال می کند و رسول خدا (ص) نام دوازده خلیفه بعد از خود را به طور کامل ذکر می کند: «فقال رسول الله (ص): اَنَّ وَصَى عَلِی بن ابی طالب (ع) و بعده سبطای الحسن (ع) و الحسین (ع) فابنه علی (ع) فاذا مضى علی (ع) فابنه محمد (ع) فاذا مضى محمد (ع) فابنه جعفر (ع) فاذا مضى جعفر (ع) فابنه موسی (ع) فاذا مضى موسی (ع) فابنه علی (ع) فاذا مضى علی (ع) فابنه محمد (ع) فاذا مضى محمد (ع) فابنه علی (ع) فاذا مضى علی (ع) فابنه موسی (ع) فاذا مضى موسی (ع) فابنه علی (ع) فاذا مضى علی (ع) فابنه محمد (ع) فاذا مضى محمد (ع) فابنه علی (ع) فاذا مضى علی (ع) فابنه موسی (ع) فاذا مضى موسی (ع) فابنه الحسن (ع) فابنه الحجة محمد المهدی فهؤلاء اثنی عشر...» (قندوزی: ۱۴۲۲، ۸۱/۳؛ جوینی: ۱۴۰۱، ۳۱۲/۲) همان گونه که ملاحظه می شود پیامبر اسلام (ص) در این حدیث به معرفی یکایک خلفای بعد از خود پرداخته است.

از حیث صدور، این حدیث در درجه بالایی از صحت قرار دارد چراکه حافظان و ناقلان روایت بر وثاقت آن اجماع دارند و علمای شیعه و اهل سنت جهت دستیابی و اخراج آن اهتمام فراوانی داشته اند و اکثر کتب معتبر اهل سنت آن را ثبت کرده است، به طور کلی این حدیث براین نکته دلالت می کند که خلفای واقعی بعد از پیامبر اسلام (ص) دوازده نفر هستند، این خلفا همگی پشت سر هم و به صورت متوالی می آیند و بین آنها از حیث زمانی فاصله ای نخواهد بود، این خلفا همگی از قبیله قریش هستند و به جز قریش کسی نمی تواند ادعای خلافت پیامبر اکرم (ص) داشته باشد و روایتی که از ابراهیم قندوزی نقل شد، بیان می کند که این خلفا از قبیله بنی هاشم هستند؛ اما آنچه مورد اختلاف شیعه و اهل سنت است تعیین مصداق خلفاست که حتی در بین خود علمای اهل سنت اتفاق نظری وجود ندارد و درباره مصادیق خلفا اقوال مختلفی ارائه کرده اند، اکثریت اهل سنت معتقدند که این خلفا، ائمه دوازده گانه شیعه نیست، آنها پیرامون این موضوع نظرات و اقوال مختلفی بیان کرده اند و طبق عقیده و سلیقه خود، به معرفی این مصادیق اقدام کرده اند. ابن کثیر از جمله افرادی است که به صراحت اعلام کرده این افراد، ائمه دوازده گانه شیعه نیستند (ابن کثیر: ۱۴۱۷، ۱/۱۸) اما در بین اهل سنت افرادی هستند که روایاتی ثبت کرده اند که بیانگر انحصار این خلفا در دوازده امام شیعه هستند از جمله روایت قندوزی و جوینی، اما علمای شیعه با تفسیر این احادیث هیچ مشکلی ندارند و معتقد به وجود دوازده جانشین برای پیامبر اسلام (ص) هستند که همه از قبیله قریش و از بیت هاشمی و از عترت پیامبر (ص) هستند و حقانیت این اعتقاد زمانی روشن می شود که این احادیث را با احادیث دیگر همچون حدیث ثقلین و حدیث لوح و آیه تطهیر و... که همگی دلالت بر امامت اهل بیت (ع) دارند، جمع کنیم.

نکته ای که باید مدنظر داشت آن است که مراد از خلفا در این احادیث، خلفای واقعی و نائبان خاص پیامبر (ص) هستند و خلافت ظاهر و ملک پادشاهی مدنظر پیامبر اکرم (ص) نبوده حال ممکن است این دوازده نفر در ظاهر حکومت را نیز در دست داشته باشند و یا به دلایل مختلف حکومت را از آنها غصب کرده باشند ولی همواره خلافت واقعی برای

آن‌ها پابرجاست و اگر ملاک و معیار، خلافت ظاهری باشد خیلی افراد بوده‌اند که عنوان خلیفه بر خود نهاده‌اند و حکومت ظاهری داشته‌اند و تعداد آن‌ها متجاوز از دوازده نفر است و این با احادیث صحیح متناقض است؛ بنابراین خلفای اثنی عشر منحصر در دوازده امام شیعه هستند که همگی از عترت رسول خدا (ص) بوده‌اند.

۳.۱.۲. حدیث قدسی لوح

این حدیث در حقیقت لوحی است که از سوی خداوند متعال به پیامبر اکرم (ص) در زمان تولد امام حسین (ع) هدیه داده شد و رسول خدا (ص) نیز آن را به دخترش حضرت زهرا (س) هدیه داد، این لوح حاوی حدیثی قدسی از سوی خداوند است که خداوند متعال در آن به معرفی ائمه (ع) و خلفای پیامبر اکرم (ص) پرداخته است و علاوه بر آن اتفاقات و حوادث زمان امامان شیعه بعد از رسول خدا (ص) را بازگو می‌کند و به پیامبرش ابلاغ می‌کند، جابر بن عبدالله انصاری این لوح را در خانه حضرت زهرا (س) مشاهده می‌کند و نسخه‌ای از روی آن می‌نگارد، در برخی روایت‌ها ذکر شده که جابر در ایام پیری به خدمت امام باقر (ع) رسید و نوشته خود را بر ایشان عرضه نمود. جابر از صحابی پیامبر اکرم (ص) و از مکتوبین حدیث است که از جوانی در غزوات پیامبر (ص) شرکت می‌نمود و به دلیل روایات خاصی که نقل نموده در میان شیعیان دارای جایگاه والایی است. او از صحابی بزرگ پیامبر اکرم (ص) و از یاران حضرت علی (ع)، حسن بن علی (ع)، حسین بن علی (ع)، علی بن الحسین (ع) و محمد بن علی (ع) بوده است که در اواخر عمر، پنجمین امام شیعه را ملاقات می‌کند و حدیث لوح را بر او عرضه می‌دارد. این حدیث در منابع حدیثی شیعه توسط علمایی چون فضل بن شاذان، (طالعی: ۱۳۷۸، ۳۸) محمد بن یعقوب کلینی، شیخ مفید در الاختصاص و الارشاد (مفید: ۱۴۱۳، ۳۸/۲) و المسائل الجارودیه (مفید: ۱۴۱۳، ۳۵)، ابوصلاح حلبی (حلبی، ۱۴۱۷، ۱۸۲) محمد بن علی بن عثمان کراچکی (کراچکی: ۱۴۰۵، ۱۸)، شیخ طوسی در کتاب الغیبه (طوسی: ۱۳۸۷، ۳۷) و امالی (طوسی: ۱۴۱۴، ۲۹۱) و... این حدیث را نقل می‌کنند.

متن کامل این حدیث طبق کتاب اصول کافی و طبق نقل امام باقر (ع) از ابی بصیر این‌گونه است: «جابر بن عبدالله انصاری را دیدم و از او درباره لوحی که در دستان فاطمه (س) دیده بود سؤال کردم، او گفت در زمان حیات رسول خدا بر خانه فاطمه وارد شدم و لوحی به رنگ یاقوت در دستان او دیدم درباره آن سؤال کردم ایشان گفتند آن را خداوند به رسولش هدیه داده و بر آن نام پدرم و شوهرم و پسرانم و اولیای ذریه من است و پدرم آن را به من داد. جابر آن لوح را از فاطمه (س) می‌گیرد و می‌خواند و قسم یاد می‌کند که ابتدای لوح با این عبارت شروع شده بود: «بِسْمِ اللَّهِ الرَّحْمَنِ الرَّحِيمِ» هَذَا كِتَابٌ «مِنَ اللَّهِ الْعَزِيزِ الْحَكِيمِ»، این نوشته‌ای از سوی خدای عزیز و حکیم برای محمد (ص) پیامبر خدا که نور و سفیر و حجاب و دلیل است، روح الامین از سوی خدا بر او نازل شده «نَزَلَ بِهِ الرُّوحُ الْأَمِينُ» ای محمد (ص) نعمت‌های پروردگارت را شکر کن همانا من خدایی هستم که جز من معبودی نیست «أَنَا اللَّهُ لَا إِلَهَ إِلَّا أَنَا» من یاریگر مظلومان و دشمن جباران هستم و نافرمانان را عذاب می‌کنم «عَذَابًا لَا أُعَذِّبُهُ أَحَدًا مِنَ الْعَالَمِينَ» پس مرا عبادت کن و بر من توکل کن من پیامبری نفرستادم جز اینکه بعد از او وصی برای او قرار دادم و من تو را بر سایر انبیا فضیلت دادم و وصی تو را بر سایر اوصیا برتری بخشیدم، حسن و حسین (ع) را معدن علم قرار دادم و حسن (ع) را بعد پدرش و حسین (ع) را بعد از حسن (ع) خازن وحی قرار دادم و او را با شهادت کرامت بخشیدم و در بالاترین درجات شهدا قرار دادم و بعد از او فرزندش علی سید العابدین

(ع) و بعد از او پسرش محمدباقر (ع) که معدن علم و حکمت است و بعد از او پسرش جعفر (ع) بعد از او فرزندش موسی (ع) خواهد بود بعد از او فرزندش علی (ع) خواهد بود که توسط فردی متکبر شهید خواهد شد و بعد از او پسرش محمد (ع) خواهد بود و او خلیفه بعدی و وارث علم او و حجت من بر خلق خواهد بود اگر بنده‌ای به او ایمان آورد بهشت را منزلگاه او می‌کنم و هفتاد نفر از اهل بیتش را شفاعت می‌کنم بعد از او پسرش علی (ع) ولی و ناصر و امین وحی خواهد بود و بعد از او پسرش حسن (ع) خازن علم او خواهد بود و دین را با پسرش کامل خواهیم کرد و او مایه رحمت عالمیان است به راستی که من با آن‌ها هر وسوسه و غل و زنجیری را دفع می‌کنم درود و رحمت خدا بر آن‌ها «أُولَئِكَ عَلَيْهِمْ صَلَوَاتٌ مِنْ رَبِّهِمْ وَرَحْمَةٌ وَأُولَئِكَ هُمُ الْمُهْتَدُونَ.» (کلینی: ۱۳۶۳، ۵۲۷/۱).

۲.۱.۳.۱.۲ بررسی جایگاه حدیث لوح در منابع اهل سنت

جابر بن عبدالله انصاری که نقل‌کننده حدیث لوح است از شخصیت‌هایی است که مورد توجه اهل سنت بوده و آن‌ها از روایاتی نقل کرده‌اند از جمله داستان پیشگویی پیامبر اسلام (ص) درباره دیدار جابر و امام باقر (ع) که پیامبر (ص) به جابر عرض می‌کند که در اواخر عمر او را خواهی دید و سلام من را به او برسان. (ابن صباغ: ۱۴۲۲، ۸۸۲/۲. ابن قتیبه: ۱۴۱۸، ۳۱۲/۱) ابن جوزی در کتاب تذکرة الخواص به ذکر این داستان می‌پردازد در این روایت پیامبر اکرم (ص) به تولد علی بن الحسین (ع) و فرزندش محمد بن علی (ع) و ملاقات جابر با محمد بن علی (ع) اشاره می‌کند: «روزی در محضر رسول خدا (ص) نشسته بودم و حسین (ع) بر دامان او نشسته بود، پیامبر به من عرض کرد ای جابر فرزندی از حسین (ع) متولد می‌شود که نامش علی خواهد بود و از او فرزندی به نام محمد! ای جابر سلام من را به او برسان زیرا تو او را خواهی دید. جابر در اواخر عمر محمد بن علی (ع) را دید و سلام پیامبر (ص) را به او رساند.» (ابن جوزی: ۱۴۲۶، ۴۲۷/۲) حدیث لوح در برخی متون اهل سنت ثبت شده است از جمله در کتاب ینابیع المودة، در این کتاب حدیث لوح از جابر بن عبدالله انصاری به نقل از احمد بن حارث و جابر بن محمد جعفری بیان گردیده: «...ای جابر! اولین جانشین من علی بن ابی طالب و سپس حسن، سپس حسین، سپس علی بن حسین، سپس محمد بن علی، معروف به آل باقر که تو به او خواهی رسید و اگر او را ملاقات کردی، سلام من را به او برسان، سپس جعفر بن محمد، سپس موسی بن جعفر، سپس علی بن موسی، سپس محمد بن علی، سپس علی بن محمد، سپس حسن بن علی، سپس قائم که همانم و کنیه من است، کسی که خدای تبارک و تعالی مشرق و مغرب زمین را به دست او فتح می‌کند، ... جعفری گفت: جابر بن عبدالله انصاری بر علی بن الحسین (ع) وارد شد و دید که محمد بن علی از خانه خارج می‌شود به او گفت: ای مولای من، جدت رسول خدا (ص) به من گفت: اگر تو را ملاقات کردم، سلام او را به تو برسانم و او به من گفته است که شما امامان و راهنمایان اهل بیت او هستید...» (قندوزی: ۱۴۲۲، ۳۹۹/۳).

بنابراین طبق این حدیث که سخن صریح خداوند است، می‌توان گفت انتصاب خلفا و جانشینان رسول خدا (ص) به وسیله خداوند بوده و خداوند متعال نام و مشخصات تمامی ائمه و جانشینان رسول خدا (ص) و ویژگی‌های هر یک را بیان فرموده و به بیان وقایعی می‌پردازد که در عصر هر امامی اتفاق خواهد افتاد و آن را به رسولش اهدا کرده است، همچنین این حدیث بر جاری بودن امر امامت در ذریه امام حسین (ع) اشاره دارد و علی بن الحسین (ع) تنها فرزند امام حسین (ع) بودند که در حادثه کربلا زنده ماند و باعث تداوم نسل امامان شیعه در ذریه امام حسین (ع) شدند.

۲.۲.۲ نصوص خاص بر اثبات امامت علی بن الحسین (ع)

نص خاص به آن دسته از نصوص، احادیث و روایاتی اشاره دارد که تأییدکننده امامت برای شخص خاصی است، این نصوص درباره تمامی ائمه اثنی عشر به صورت مجزا وجود دارد و این امر در خصوص امام سجاد (ع) به عنوان چهارمین امام شیعه، صادق است این نصوص مبتنی بر سفارش خدا و رسول خدا (ص) در دوران حیاتش، سفارش و تأیید امام پیشین، مواریث رسول خدا (ص) که در بین جانشینان ایشان دست به دست می شود و معجزاتی که از سوی ایشان ارائه شده است.

۲.۲.۱. نص صریح خدا در حدیث قدسی لوح: در بخشی از حدیث لوح، خداوند درباره امامت امام سجاد (ع) می گوید: «... أَوْلَهُمْ عَلِيٌّ سَيِّدُ الْعَابِدِينَ وَ زَيْنُ أَوْلِيَائِي الْمَاضِينَ» (کلینی: ۱۳۶۳، ۵۲۷/۱). این عبارت نصی صریح از جانب خداوند بر اثبات امامت ایشان است.

۲.۲.۲. تصریح علی بن ابی طالب (ع) بر امامت نواده اش: زمانی که حضرت علی (ع) در آستانه شهادت بود فرزندان او را فرامی خواند و حسن بن علی (ع) را به عنوان امام بعد از خود معرفی می کند و مواریث پیامبر اکرم (ص) را به او می سپارد و سایر فرزندان خود از قبیل امام حسین (ع) و محمد حنفیه و سایر اولاد و شیعیان را به پیروی از او فرامی خواند و به امام حسین (ع) می گوید: «پس از برادرت حسن (ع) تو امام و رهبر امت هستی و پیامبر خدا (ص) به تو فرمان می دهد که مواریث نبوت را بعد از خود به فرزندت علی بن الحسین زین العابدین (ع) بسپاری زیرا بعد از تو امام امت است. در آن هنگام حضرت علی (ع) دست زین العابدین که هنوز طفلی بود می گیرد و می گوید: پیامبر خدا (ص) تو را مکلف می کند که بعد از خود امامت را به فرزندت محمدباقر بسپاری و از جانب پیامبر خدا (ص) و من به او سلام برسانی.» (کلینی: ۱۳۶۳، ۲۹۶/۱)

۲.۲.۳. تصریح امام حسین (ع) به امامت علی بن الحسین (ع): امام حسین (ع) به امامت فرزندش علی بن الحسین (ع) تصریح می کند این واقعه طبق نقل زهری این گونه روایت شده است: «نزد امام حسین (ع) بودم که ناگهان علی بن الحسین (ع) که کودکی خردسال بود وارد شد، حسین (ع) او را طلبید و پیشانی اش را بوسید و به سینه خود چسباند، زهری از امام حسین (ع) پرسید: ای فرزند رسول خدا! بعد از تو به چه کسی رجوع کنیم؟ امام حسین (ع) در جواب زهری به فرزندش اشاره نموده و عرض کردند: «الی علی ابنی هذا، هو الإمام و ابوالأئمة...» (خوانساری: ۱۳۹۰، ۲۴۷/۷)

۲.۲.۴. طلب مواریث پیامبر اکرم (ص) از ام سلمه توسط علی بن الحسین (ع): زمانی که امام حسین (ع) رهسپار عراق می گردد، مواریث پیامبر (ص) که در نزد او بود را به ام سلمه می سپارد و به او می گوید: وقتی فرزندم به سراغ تو آمد آنچه را که به تو سپرده ام را به او بده، وقتی امام حسین (ع) شهید می شود، علی بن الحسین (ع) به سراغ ام سلمه می رود و آن مواریث را طلب می کند. (طوسی: ۱۳۸۷، ۱۹۵) طبق نقل پیامبر اکرم (ص) آن مواریث در اختیار امامان قرار می گیرد و کسی که آن ها را طلب کند امام بر حق است. (عاملی: ۱۴۲۵، ۶۰/۴)

۲.۲.۵. تصریح محمد حنفیه بر امامت علی بن الحسین (ع): واقعه ای است که برای ابو خالد کابلی اتفاق می افتد و توسط ابو بصیر و طی یک سلسله سند معتبر از امام باقر (ع) نقل می گردد. در این روایت تاریخی بیان گردیده که ابو خالد کابلی در ابتدا محمد حنفیه را امام خود می دانست، روزی از او سؤال می کند و او را به حرمت رسول خدا (ص) و حضرت علی (ع) قسم می دهد و از او می خواهد تا برایش بازگو کند که آن امامی که اطاعتش واجب است کیست؟ محمد حنفیه نیز بازگو می کند که امام من و شما و تمامی مسلمین علی بن الحسین (ع) است و ابو خالد به محضر امام سجاد

(ع) می‌رسد و سجده شکر به جا می‌آورد و می‌گوید خدا را شاکرم که پیش از مرگم امام خود را شناختم. این واقعه به درستی امامت علی بن الحسین (ع) را به‌عنوان امام چهارم شیعیان اثبات می‌کند. (کشی: ۱۴۰۴، ۳۳۶/۱، راوندی: ۱۳۶۸، ۲۶۳)

۶.۲.۲. شهادت حجرالأسود: طبق روایتی که شیخ کلینی از امام باقر (ع) نقل می‌کند، زمانی که امام حسین (ع) به شهادت رسیدند محمد حنفیه به سراغ علی بن الحسین (ع) می‌رود و به او می‌گوید تو میدانی که رسول خدا (ص) وصایت را بعد از خود به علی بن ابی‌طالب (ع) سپرد و بعد از او به امام حسن (ع) و سپس امام حسین (ع) و اکنون پدر تو شهید شده ولی او درباره امام بعد از خود به کسی وصیت نکرده است و من عموی تو هستم و به خاطر سن و قدمتم نسبت به این امر شایسته‌تر هستم. علی بن الحسین (ع) فرمودند عمو جان، تقوای الهی پیشه کن و بر آنچه حق تو نیست ادعا نکن... همانا پدرم قبل از عزیمت به عراق با من عهد بست و مواریث پیامبر اکرم (ص) را به من سپرد، پس متعرض این امر نشو زیرا خداوند سوگند یاد کرده که وصیت و امامت را در نوادگان حسین بن علی (ع) قرار دهد اگر می‌خواهی بر این امر واقف شوی به کنار حجرالأسود بیا تا او بین ما حکم کند. به سوی حجرالأسود رفتند و محمد حنفیه دعایی خواند و از خداوند سؤال نمود و از سنگ پرسید اما جوابی نشنید. علی بن الحسین (ع) فرمود عمو جان اگر تو امام و وصی بودی حتماً سنگ جوابت را می‌داد سپس علی بن الحسین (ع) دعا کرد و از سنگ پرسید وصی بعد از حسین (ع) کیست؟ سنگ تکانی خود و به اذن خدا گفت: «ان وصیة و امامة بعد حسین بن علی (ع) الی علی بن حسین بن علی بن ابی‌طالب و ابن فاطمه بنت رسول الله (ص)» در این حال محمد حنفیه برگشت و از معتقدان به امامت علی بن الحسین (ع) شد. (کلینی: ۱۳۶۳، ۴۴۸/۱، طبرسی: ۱۴۰۳، ۳۱۶/۱، شهر آشوب: ۱۴۱۲، ۲۸۸/۳، مجلسی: ۱۴۰۳، ۱۱۲/۴۶)

۳. کرامات و معجزات علی بن الحسین (ع)

در کنار نصوص ذکر شده، می‌توان به کرامات و معجزاتی اشاره نمود که از سوی فرستادگان الهی صادر می‌شود، این معجزات فقط مختص پیامبران نبوده بلکه ائمه نیز برای اثبات امامت خود معجزاتی ارائه داده‌اند که با ادعای امامت آن‌ها همراه بوده است. امام سجاد (ع) نیز معجزات و کراماتی داشته‌اند، وجود این معجزات همراه با ادعای امامت، دلیلی دیگر بر صدق گفتار ایشان به‌عنوان چهارمین امام شیعه است، این کرامات در برخی کتب معتبر اهل سنت و شیعه ثبت گشته، در ادامه برخی از این کرامات و معجزات را بیان خواهد شد:

۱.۳. ابن شهاب زهری نقل می‌کند که وقتی عبدالملک مروان فرمان داد که علی بن الحسین (ع) را از مدینه به شام بیاورند من نیز آنجا بودم و دیدم که آن حضرت را با زنجیری آهنی بسته بودند و عده‌ای نگهبان از ایشان مراقبت می‌کردند، یک‌شب از آن‌ها اجازه گرفتم تا آن حضرت را ملاقات نموده و با ایشان وداع کنم، وقتی به خدمت آن حضرت رسیدم ایشان را در غل و زنجیر دیدم، گریه کردم و گفتم کاش من جای شما در غل و زنجیر بودم و شما از این رنج رها بودی. امام (ع) فرمود: زهری آیا گمان می‌کنی این غل و زنجیر، من را آزار می‌دهد؟ اگر بخواهم می‌توانم آن‌ها را بازکنم و شماها با دیدن این منظره تعجب خواهید نمود، اما این غل و زنجیرها من را به یاد خدا می‌اندازد، ناگهان امام (ع) دست و پای خود را از غل و زنجیرها گشود و به زهری فرمود که من فقط تا دو منزل دیگر با اینان همراه خواهم بود. طبق گفته زهری چهار شب بعد نگهبانان به مدینه بازگشتند در حالی که در جست‌وجوی علی بن الحسین (ع) بودند به نگهبانان گفتم که چه شده؟ آنان گفتند یک روز صبح به‌جز غل و زنجیرها هیچ اثری از علی بن الحسین (ع) ندیدیم در حالی که همه ما

مراقبتش بودیم و اطرافش را می‌گرفتیم، بعد از آن عبدالملک حال علی بن الحسین (ع) را از من جویا شد و من جریان را برایش بازگو کردم. عبدالملک گفت همان روز که نگهبانان او را از دست دادند، امام نزد من آمد و گفت من را با تو چه کار؟ گفتم پیش من بمان. گفت علاقه‌ای به ماندن در کنار شما ندارم و سپس رفت. به خدا سوگند با دیدن او تمام بدنم را وحشت فراگرفت، زهری در ادامه گفت علی بن الحسین (ع) در فکر به دست آوردن خلافت نیست و به کار خویش مشغول است. عبدالملک گفت چه خوب است کاری که او به آن مشغول است. (ذهبی: ۱۴۱۴، ۳۸۶/۴؛ ابن عساکر ۱۴۱۵، ۳۷۲/۴۱؛ اصفهانی: ۱۴۲۳، ۱۳۵/۳).

۲.۳. امام باقر (ع) روایت می‌کنند که روزی عبدالملک مروان کعبه را طواف می‌کرد و علی بن الحسین (ع) نیز در جلوی او قرار داشت و طواف می‌کرد و به عبدالملک توجهی نداشت. عبدالملک گفت این کیست که توجهی به ما نمی‌کند؟ به او گفتند علی بن الحسین (ع) است، سپس عبدالملک او را صدا زد و گفت چرا به ما بی‌توجهی می‌کنی؟ من که قاتل پدرت نیستم حضرت فرمودند: قاتل پدرم - با آنچه انجام داد - دنیا را برای پدرم تباه ساخت و پدرم آخرت را برای او تباه کرد، دوست داری همانند او باشی؟ عبدالملک گفت هرگز! اما اگر تو نزد ما بیایی، تو را از دنیا بی‌نیاز می‌گردانم، حضرت (ع) روی زمین نشستند و ردای خود را پهن کردند و از خدا خواستند که حرمت اولیای خود را به عبدالملک نشان دهد ناگهان ردای حضرت پر از مروارید شد که پرتوهای آن چشم‌ها را خیره می‌کرد. حضرت (ع) فرمودند: «من تکون هذه حُرْمته عند الله» آیا کسی که چنین احترامی نزد خدا دارد به دنیای تو نیاز دارد؟ و سپس از خدا خواست که مرواریدها را بگیرد چرا که بدان احتیاجی ندارد. (راوندی: ۱۴۰۹، ۲۵۷/۱؛ مجلسی ۱۴۰۳، ۱۲۰/۴۶)

۳.۳. روزی زنی به نام حبابه نزد علی بن الحسین (ع) رفت در حالی که به بیماری برص مبتلا شده بود و آثار آن بر روی صورتش مشخص بود، حضرت دست مبارک خود را بر صورت آن زن گذاشت ناگهان آن بیماری از بین رفت، سپس حضرت (ع) فرمود: ای حبابه در میان پیروان ابراهیم (ع) به جز ما و شیعیان ما، کسی از این مرض بهبود نمی‌یابد. امام باقر (ع) می‌فرمایند که پدرشان علی بن الحسین (ع) در حق آن زن دعا کرد و در پرتو دعای حضرت، جوانی آن زن بازگشت در حالی که زن صد و سیزده سال از عمرش می‌گذشت (ابن عساکر: ۱۴۱۵، ۳۷۲/۴۱؛ ابن شهر آشوب: ۲۷۶/۱۴۱۲، ۳؛ صدوق: ۱۳۹۵، ۵۳۷). این نشان‌دهنده مقام والای حضرت سجاد (ع) در نزد خداوند است.

۴.۳. روزی مردی از شیعیان، نزد علی بن الحسین (ع) رفت و گفت: چرا ما نسبت به دشمنان فضیلت داریم در حالی که بین آن‌ها افرادی هستند که نسبت به ما زیباتر هستند؟ حضرت فرمود آیا دوست داری فضیلت خود را بر آنان ببینی؟ گفت آری. سپس حضرت (ع) دستان خود را بر صورت او کشید و آن مرد به اطراف خود نگاه کرد و از دیدن چهره‌های اطرافیان ترسید و به حضرت (ع) گفت مرا به همان حالت قبل برگردان زیرا من در مسجد فقط سگ و روباه و بوزینه می‌بینم. حضرت سجاد (ع) دوباره بر صورت آن مرد دست کشید و آن مرد به حالت قبل بازگشت. (برسی: ۱۳۸۹، ۱۳۸).

۵.۳. حجاج بن یوسف نقل می‌کند: زمانی که کعبه به دلیل جنگ با عبدالله بن زبیر ویران شد، آن را بازسازی کردند و زمانی که خواستند حجرالأسود را نصب کنند هر بار که آن را برجایش می‌گذاشتند سنگ می‌لغزید و می‌افتاد، آنگاه علی بن الحسین (ع) آمد و سنگ را از دست آنان گرفت نام خدا را بر زبان جاری کرد و سنگ را سر جایش قرارداد و سنگ ثابت ماند و مردم تکبیر گفتند، در آن هنگام فرزندان ابیاتی را بیان کرد:

یکاد یمسکه عرفان راحتہ رکن الحطیم إذا ما جاء یستلم (راوندی: ۱۴۰۹، ۲۷۰/۱)

بنابراین طبق نصوص و شواهد ارائه شده باید گفت که سنت رسول خدا (ص) نزد تمامی مسلمانان حجت است و بعد از ایشان، طبق روایات متعدد، اهل بیت رسول خدا (ص) بر تمامی مسلمین حجیت دارند و همسنگ قرآن هستند و آنان در تمام طول تاریخ به عنوان رهبران و هدایت‌گران در بین مردم بوده‌اند و این امر بر اساس دلایل قرآنی و روایی متعددی است که در این پژوهش مورد بحث و بررسی قرار گرفت، طبق این شواهد جانشینان بر حق رسول خدا (ص)، اهل بیت او هستند که مصادیق آنان در جامعه، ائمه دوازده‌گانه شیعه هستند اولین آن‌ها علی بن ابی طالب (ع) و آخرین آن‌ها حضرت مهدی (عج) است و طبق احادیث متعدد بیان شده، مشخص گشت که نسل امامان شیعه از امام حسین (ع) است و تنها فرزند ایشان که در واقعه کربلا زنده ماند علی بن الحسین (ع) چهارمین امام شیعه است و سایر ائمه از فرزندان ایشان هستند، ضمن اینکه کرامات و معجزاتی از سوی ایشان رخ داده و ادله و مستندات خاصی از سوی رسول خدا (ص) و امامان پیشین، جهت اثبات امامت علی ابن الحسین (ع) ارائه شده که با تکیه بر تمامی آن‌ها امامت ایشان اثبات می‌گردد.

۴. نتیجه‌گیری

تفاوت عمده‌ای که در بحث انتخاب جانشینان رسول خدا (ص) میان شیعه و اهل سنت وجود دارد در خصوص وجود یا عدم وجود نصوص امامت است و اهل سنت برخلاف شیعیان معتقدند در این باره نصی وجود ندارد و انتخاب خلیفه باید با روش‌های دیگر و توسط مردم انجام گیرد اما این در حالی است که کتب آن‌ها مملو از نصوص و احادیثی است که نقض‌کننده سخن آن‌هاست، درباره امامت امام سجاد (ع) اختلاف نظرهای زیادی در بین گروه‌های مختلف مذهبی حتی در بین خود شیعیان دیده می‌شود و این امر سبب انکار امامت ایشان از سوی اهل سنت و برخی گروه‌های دیگر شده است لذا این پژوهش با هدف اثبات امامت ایشان با تکیه بر نصوص معتبر و مورد استناد فریقین انجام گرفت و در نهایت ما را به این نتایج رهنمون ساخت:

نصوص امامت امام سجاد (ع) به دودسته عام و خاص و کرامات و معجزات تقسیم می‌شوند، از مهم‌ترین نصوص عام می‌توان به حدیث ثقلین، حدیث اثنی عشر خلیفه و حدیث لوح اشاره نمود، در حدیث ثقلین رسول اکرم (ص) اهل بیت خود را همسنگ قرآن و به عنوان عنصری جداناپذیر از قرآن معرفی می‌کند، جهت تبیین معنای عترت و اهل بیت به شواهد روایی و قرآنی از قبیل احادیث سفینه و امان و آیه تطهیر اشاره شد، این شواهد بیان‌کننده انحصار عترت رسول خدا (ص) به حضرت علی (ع) و حضرت فاطمه (س) و پسران آن‌ها و سپس نه فرزند از نسل امام حسین (ع) هستند، حدیث اثنی عشر خلیفه بیان می‌کند که تعداد این افراد دوازده نفر هستند و حدیث لوح به معرفی این دوازده نفر می‌پردازد و ویژگی‌های هر یک را بیان می‌کند، احادیث روشن‌کننده این مطلب هستند که نسل امامان شیعه پس از شهادت امام حسین (ع) توسط فرزند ایشان علی بن الحسین (ع) تداوم یافت زیرا ایشان تنها فرزند امام حسین (ع) بودند که در واقعه کربلا زنده ماندند. نصوص خاص نیز در این باره وجود دارد که تأییدکننده امامت ایشان است که شامل: قول صریح خداوند در حدیث لوح و سفارش رسول خدا (ص) و ائمه پیشین و مواریث رسول خدا (ص) است که فقط به جانشینان برحق ایشان می‌رسد و پس از شهادت امام حسین (ع) این مواریث به امام سجاد (ع) رسید. معجزات و کراماتی که از سوی امام سجاد (ع) ارائه شده دلیل دیگری بر اثبات امامت ایشان است زیرا این معجزات با ادعای امامت همراه بوده و کسی که چنین ویژگی داشته باشد از سوی خداوند به امر هدایتگری مردم منصوب می‌شود. عمده این شواهد و قرائن در کتب روایی و

حدیثی شیعه و اهل سنت ثبت شده و در طول تاریخ علمای اهل سنت اهتمام زیادی بر حفظ این نصوص داشته‌اند.

۵. منابع

- قرآن کریم.

۱. ابن منظور، محمد بن مكرم، *لسان العرب*، بیروت، دار الحیاء التراث العربی، ۱۴۰۸.
۲. ابن کثیر، اسماعیل بن عمر، *تفسیر قرآن العظیم*، بیروت، دارالعلمیه، ۱۴۱۹.
۳. ابن بابویه، محمد بن علی، *خصال شیخ صدوق*، ترجمه محمد باقر کمره ای، ایران، نشر کتابچی، ۱۳۷۷.
۴. _____، *کمال الدین و تمام النعمه*، تهران، دارالکتب الاسلامی، ۱۳۹۵.
۵. _____، *علل الشرائع*، قم، مکتبه الداوری، ۱۳۸۵.
۶. _____، *عیون اخبار الرضا*، تهران، جهان، ۱۳۷۸.
۷. ابن حیون، نعمان بن محمد، *شرح الاخبار*، قم، موسسه نشر اسلامی، ۱۴۰۹.
۸. ابن حنبل، احمد بن محمد، *مسند احمد بن حنبل*، بیروت، موسسه الرساله، ۱۴۱۶.
۹. ابن شهر آشوب، محمد بن علی، بیروت، دارالاضواء، ۱۴۱۲.
۱۰. ابن صباغ، علی بن محمد، *فصول مهمه فی معرفت ائمه*، بیروت، موسسه دارالحدیث الثقافیه، ۱۴۲۲.
۱۱. ابن قتیبه، عبدالله بن مسلم، *عیون اخبار*، بیروت، دارالکتب العلمیه، ۱۴۱۸.
۱۲. ابن جوزی، یوسف بن قزاوغلی، *تذکره الخواص*، قم، المجمع العالمی لاهل البیت علیهم السلام، ۱۴۲۶.
۱۳. ابن کثیر، اسماعیل بن عمر، *البدایه و النهایه*، جیز، بیروت، مرکز البحوث و الدراسات العربیه و الإسلامیه بدار هجر، ۱۴۱۷.
۱۴. ابن عساکر، علی بن الحسن، *تاریخ مدینه دمشق*، تحقیق علی شیری، بیروت، دارالفکر، ۱۴۱۵.
۱۵. ابوداود، سلیمان بن اشعث، *سنن ابی داود*، قاهره، دارالحدیث، ۱۴۲۰.
۱۶. بخاری، محمد بن اسماعیل، *صحیح بخاری*، قاهره، لجنة احیاء کتب السنه، ۱۴۱۰.
۱۷. ترمذی، محمد بن عیسی، *سنن الترمذی*، تحقیق احمد محمد شاکر، قاهره، دارالحدیث، ۱۴۱۹.
۱۸. سخاوی شافعی، محمد بن عبدالرحمن، *استجلاب ارتقاء الغرف بحب اقریاء الرسول و ذوی الشرف*، قم، موسسه معارف اسلامی، ۱۴۲۱.
۱۹. سمهودی، علی بن عبدالله الحسن، *جواهر العقدين فی فضل الشرفین*، بغداد، مطبعة العانی، ۱۴۰۵.
۲۰. شهرستانی شافعی، محمد بن عبدالکریم، *ملل و نحل*، قم، انتشارات شریف رضی، چاپ سوم، ۱۳۶۷.
۲۱. جوینی، ابراهیم بن محمد، *فرائد السمطین*، بیروت، موسسه محمودی، ۱۳۹۸.
۲۲. راوندی، قطب الدین ابی الحسین سعید بن هبة الله، *خرائج و جرائح*، قم، موسسه امام مهدی، ۱۳۶۸.
۲۳. حر عاملی، محمد بن حسن، *اثبات الهداة بالنصوص والمعجزات*، بیروت، مؤسسة الاعلمی للمطبوعات، ۱۴۲۵.
۲۴. حاکم نیشابوری، محمد بن عبدالله، *المستدرک علی الصحیحین*، تحقیق حمدی دمراش، بیروت، مکتبه العصریه، ۱۴۲۰.
۲۵. حسکانی، عبیدالله بن عبدالله، *شواهد التنزیل لقواعد التفضیل فی الایات النازله فی اهل البیت*، تحقیق محمد باقر محمودی، قم، مجمع احیاء ثقافه الاسلامی، ۱۴۱۱.
۲۶. خزاز قمی، علی بن محمد، *تحقیق حسینی کوه کمره ای*، قم، نشر بیدار، ۱۴۰۱.
۲۷. خوانساری، محمد باقر بن زین العابدین، *روضات الجنات فی احوال العلماء و سادات*، قم، دهاقانی، ۱۳۹۰.
۲۸. خطیب بغدادی، احمد بن علی، *تاریخ بغداد*، بیروت، دارالکتب العلمیه، ۱۴۱۷.

۲۹. دیلمی، حسن بن محمد، *ارشاد القلوب*، قم، شریف الرضی، ۱۴۱۲.
۳۰. هلالی، سلیم بن قیس، *کتاب سلیم بن قیس*، ترجمه و تحقیق محمد باقر انصاری، قم، نشر هادی، چاپ دوم، ۱۴۰۵.
۳۱. سیوطی، عبدالرحمن بن ابی بکر، *درالمنثور فی تفسیر مآثور*، بیروت، دارالفکر، ۱۴۱۴.
۳۲. _____، *تاریخ الخلفاء*، بیروت، دارالصادر، ۱۴۱۷.
۳۳. شوشتری، نورالله بن شریف الدین، *احقاق الحق وازهاق الباطل*، قم، انتشارات آیت الله مرعشی نجفی، ۱۴۰۴.
۳۴. طبرسی، احمد بن علی، *الاحتجاج*، تهران، دارالکتب الاسلامی، ۱۴۰۳.
۳۵. طیبالسی، سلیمان بن داوود، *مسند طیبالسی*، تحقیق محمد بن عبدالحسین، جیزه، مدرسه الامام مهدی، ۱۴۱۹.
۳۶. طالعی، عبدالحسین، *تحفه آسمانی*، تهران، انتشارات میقات، ۱۳۷۸.
۳۷. طبری، محمد بن جریر، *جامع البیان*، بیروت، دارالمعرفة، ۱۴۱۵.
۳۸. طوسی، محمد بن حسن، *الغیبة*، قم، مسجد مقدس جمکران، ۱۳۸۷.
۳۹. _____، *الامالی*، قم، اندیشه هادی، ۱۴۱۴.
۴۰. قاضی، ابوعلی محمد بن حسین، *احکام سلطانیه*، قم دفتر تبلیغات اسلامی، ۱۴۰۶.
۴۱. قشیری نیشابوری، مسلم بن حجاج مسلم، *صحیح مسلم*، مصر، دارالحدیث، ۱۴۱۲.
۴۲. قندوزی، سلیمان بن ابراهیم، *ینابیع المودة لذوی القربی*، تحقیق علی بن جمال اشرف، قم، منظمة الاوقاف و الشؤون الخيرية، ۱۴۲۲.
۴۳. کراجکی، محمد بن علی، *الإستنصار فی النص علی الأئمة الأطهار*، بیروت، دارالاضواء، ۱۴۰۵.
۴۴. کلینی، محمد بن یعقوب، *کافی*، تهران، دارالکتب الاسلامیه، ۱۳۶۳.
۴۵. کشی، محمد بن عمر، *اختیار معرفة الرجال*، مصحح میرداماد، قم، مؤسسه آل البيت (علیهم السلام) لإحياء التراث، ۱۴۰۴.
۴۶. مجلسی، محمدباقر، *بحار الانوار*، بیروت، دار إحياء التراث العربي، ۱۴۰۳.
۴۷. نعمانی، محمد بن ابراهیم، *الغیبه*، تهران، دارالکتب الاسلامی، ۱۳۹۷.
۴۸. _____، *الارشاد فی معرفه حجج الله علی العباد*، قم، المؤتمر العالمي لألفية الشيخ المفيد، ۱۴۱۳.
۴۹. نعمانی، محمد بن ابراهیم، *مسائل جارودیه*، قم، المؤتمر العالمي لألفية الشيخ المفيد، ۱۴۱۳.
۵۰. هیثمی، علی بن ابوبکر، *مجمع الزوائد و منبع الفوائد*، بیروت، دارالکتب العلمیه، ۱۴۱۴.
۵۱. هیثمی، ابن حجر، *الصواعق المحرقة علی اهل الرفض و الضلال و الزندقة*، بیروت، مؤسسه الرساله، ۱۴۱۷.